

فرهنگ اصطلاحات امریکایی

(شامل دو بخش کلمات و جملات)

مؤلف:

فریده جوادى



انتشارات کتابخانه

تهران ۱۳۸۸

سرشناسه: جوادی فریده-

عنوان و نام پدید آور: فرهنگ اصطلاحات متداول آمریکایی/مؤلف
فریده جوادی.

مشخصات نشر: تهران: گلبونه: کاوش، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۲۵۲ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا. ۳۵۰۰۰ ریال

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۶۳-۶۳-۳

موضوع: زبان انگلیسی آمریکایی__ اصطلاحات و تعبیرها __ واژه
نامه ها __ فارسی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ۴۹۴۲۸۳۹ PE

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۱۳۲۷۴



کتابخانه ملی ایران

عنوان کتاب: فرهنگ اطلاعات متداول آمریکایی

مؤلف: فریده جوادی

ناشر: انتشارات گلبونه، ناشر همکار: انتشارات کاوش

حروفچینی و صفحه آرایی: انتشارات گلبونه

طرح روی جلد: احمد شهبازی

لیتوگرافی: زمان

نوبت چاپ: اول

چاپ: مهرسام

صحافی: پارسه

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۶۳-۶۳-۳

مرکز پخش: خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، ساختمان ۱۴۴۸، طبقه

تلفکس: ۶۶۴۹۵۱۱۶

سوم، انتشارات گلبونه

پیشگفتار

مفهوم یک اصطلاح چیست ؟

اگر شما معنی هر کدام از لغت ها را به تنهایی می دانید ولی نمی توانید یک متن و نوشته ای را کاملاً و به درستی درک کنید، به این دلیل می باشد که شما با اصطلاحات آشنایی کامل ندارید. در واقع دانستن واژه ها و کلمات و گرامر، آمادگی شنوایی و گفتاری به تنهایی بیشتر اوقات نیازمندی های افراد را به طور کامل تأمین نکرده و ما دچار مشکلاتی در درک مطالب می شویم و فقدان کاربردی اصطلاحات و درک آنها در مورد افراد غیر امریکایی کاملاً مشهود می باشد لذا فراگیری این اصطلاحات که ناشی از فرهنگ امریکایی می باشد کمک مؤثری در زندگی در محیط امریکایی، کار به زبان انگلیسی امریکایی، کسب اطلاعات از طریق رسانه های گروهی، تماشای فیلم و یا خواندن کتاب های :رسی و یا در زمینه های مختلف و غیره خواهد داشت.

در واقع یک اصطلاح دریچه ای است که شما را به دنیای روزمره محاوره ای امریکایی جدا از معنای اصلی کلمات آشنا می سازد حال شما تصور کنید که متن زیر را می شنوید و یا می خوانید:

Sam is a real cool cat. He never blows his stack, he hardly ever files off the handle. what's more, he knows how to get away with things... well, of course, he is getting on, too. His hair is pepper and salt, but he knows how to make up for lost time by

taking it easy. He gets up early, works out, and turns in early, He takes care of the hot dog stand like a breeze until he gets time off. Sam's got it made, this is it for him.

احتیاجی نیست که شما بگویید که این یک نوشته ادبی خوبی نیست ولی بیشتر امریکایی‌ها موقع صحبت و محاوره روزمره در فیلم‌ها و کتاب‌های داستانی و یا حتی گاهی در اعلام اخبار از این نوع عبارات استفاده می‌کنند. حال اگر شما آموخته اید که cool به معنی خنک، cat به معنی گربه، blow به معنی وزیدن، stack به معنی توده یا انباشته، fly به معنی پرواز کردن، handle به معنی دستگیره و غیره می‌باشد. و شما نمی‌توانید مفهوم این متن را به درستی درک بکنید بدین دلیل می‌باشد که فرهنگ لغت به معنی کلمات اشاره می‌کند و معمولا حاوی اصطلاحات نمی‌باشد. حال ترجمه فارسی این متن پر از اصطلاحات امریکایی را شما ملاحظه خواهید کرد.

سام واقعا یک شخص آرام است. او هرگز کنترل خود را از دست نمی‌دهد، او به ندرت عصبانی می‌شود. علاوه بر این، او می‌داند که چطور کار خود را از نظر مالی با زیرکی‌های خود اداره بکند.

... احتیاجی به گفتن نیست که او همچنین دارد پا به سن می‌گذارد. دوهایش دارند جو گندمی می‌شوند، ولی او می‌داند که چگونه وقت تلف شده

را با آرامش جبران بکند. او صبح زود بیدار می‌شود، ورزش می‌کند و زود می‌خوابد. او دگه سوسیس فروشی اش را به راحتی اداره می‌کند تا وقتی که نوبت کس دیگری برای کار کردن در آنجا فرا برسد. سام موفق است او به هدف زندگی اش رسیده است.

اگر چنانچه مفهوم کلی این متن را غیر از این درک کرده بودید، اکنون شما باید یک لیست از اصطلاحات این متن همراه با ترجمه فارسی را درست بکنید و اصطلاحات موجود در این متن به شرح زیر خواهند بود:

to be a (real) cool cat	واقعا یک شخص آرامی بودن
to blow one's stack	کنترل خود را از دست دادن، عصبانی شدن
to fly off the handle	شدیدا عصبانی شدن
what's more	علاوه بر این، به اضافه
to get away with something	بدون هیچ گونه تنبیه و دستگیری مرتکب جرم یا کار غیر قانونی شدن
of course	البته، طبیعتا
to be getting on	پا به سن گذاشتن، پیر شدن
pepper and salt	موی جو گندمی
to make up for something	جبران کردن کاری

lost time	وقت تلف شده
to take it easy	استراحت کردن، از نگرانی اجتناب کردن
to work out	ورزش کردن، نرمش کردن
to turn in	خوابیدن
to take care of (a need)	اداره کردن کاری
like a breeze	به آسانی، مثل آب خوردن
time off	زمانی که کسی در مرخصی است، زمانی که کسی فعالیت شغلی ندارد
to have got it made	موفق بودن
this is it	به هدف خود رسیدن

این یک واقعیت است که اکثر این اصطلاحات را به صورت افعال روزمره چون turn in, work out, get up و غیره...

و یا به صورت اسم چون hot dog یا به صورت صفت چون pepper and salt و یا به صورت قید چون like breeze در گفتگوی امریکایی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مورد مهم دیگر این می‌باشد که امکان دارد اصطلاحات به صورت یک عبارت و یا گروهی از کلمات بیایند چون:

to fly off the handle	کنترل خود را از دست دادن
to blow one's stack	عصبانی شدن
to kick the bucket	مردن
to be up to creek	در موقعیت خطرناک بودن
to be caught between the devil and deep blue sea	بین دو بدبختی یا مخمصه گیر کردن، نه راه پس و نه راه پیش داشتن

که این اصطلاحات را «اصطلاحات عبارتی» می‌گویند که در این اصطلاحات وقتی که این کلمات به تنهایی استفاده می‌شوند، هرگز این مفهوم را ندارند و فقط موقعی که به صورت عبارت داده شده می‌آیند مفهوم آن اصطلاح به خصوص را می‌دهند. یک دسته بزرگی از اصطلاحات به صورت ضرب المثل می‌باشند که در بین مردم بسیار متداول و رایج است. چون:

Don't count your chicken before they're hatched.
قبل از اتمام کاری، به نتیجه آن عمل مطمئن نباش. (جوجه‌هایت را آخر پاییز بشمار)

Don't wash your dirty linen in public
سفره دلت را پیش هر کسی باز نکن
گاهی اوقات یک واژه به تنهایی نمی‌تواند یک اصطلاح باشد که در واقع مفهوم اصلی‌اش خیلی متفاوت از آن می‌باشد چون:
My car is a ماشین من بنجل و پردردسر است.

lemon

My math exam was

امتحان ریاضی من خیلی سخت بود.

a dog

حال به این نتیجه می‌رسیم که چرا زبان انگلیسی مخصوصاً زبان انگلیسی آمریکایی این قدر پر از اصطلاح می‌باشد؟ دلیل احتمالی بر این مبنا می‌باشد که با توسعه تصورات و افکار خود احتیاج به عبارات جدیدتری داریم که به جای اختراع واژه‌های جدید از ترکیب واژه‌های موجود در فرهنگ خود برای بیان افکار و عقاید خود استفاده می‌کنیم که باعث ایجاد اصطلاحات جدیدی می‌شود. البته هیچ زبان دیگری در دنیا وجود ندارد که اصطلاحات خود را نداشته باشد و با گذشت زمان هر زبانی واژه‌ها و عبارات خود را توسعه می‌دهد که گاهی اوقات این عبارات از تکه کلام‌هایی از فیلم‌ها و یا در یک دوره‌های مهم چون انتخابات ریاست جمهوری و یا گفته‌های افراد محبوب و یا حتی سریال‌های تلویزیونی در آن زبان رایج می‌شوند.

آمریکاییان در برخورد با افراد غیر آمریکایی که به صورت کتابی و ادبی صحبت می‌کنند از نظر خود یک گفتگوی خشک و خسته کننده‌ای تصور می‌کنند شما می‌توانید یک اصطلاح را اول از یک آمریکایی بومی شنیده و سپس سعی کنید که آن را یاد گرفته و به کار ببرید و برای یک آمریکایی هرگز صحبت خشک و ادبی در طولانی مدت هیچگونه جذابیتی ندارد و تمایلی برای ادامه صحبت خود نمی‌بیند. شما هر چه بیشتر اصطلاح در گفته‌های خود با افراد بومی به کار ببرید، آنها بیشتر احساس

صمیمیت و راحتی خواهند کرد. همان طور در کتاب‌های داستانی و یا فیلم‌ها بیشتر گفته‌های آنها پر از اصطلاح می‌باشد که شما می‌توانید در صورت متوجه نشدن به لیست اصطلاحات این کتاب مراجعه کرده و سپس سعی کنید که این اصطلاحات را نوشته و در گفتگوی خود به کار ببرید که بعد از مدتی هیچ گونه مشکلی در درک گفتگوی امریکایی‌های بومی نخواهید داشت.

در بخش پایانی این کتاب یک سری جملات گزیده شده که معانی و درک کاربردی آن اصطلاحات که با توجه به تجربیات گذشته برای خوانندگان مشکل بوده است به طور کامل بر اساس حروف الفبا آورده شده است که با مراجعه به این جملات می‌توانید مفهوم کامل و کاربرد این اصطلاحات را درک کنید. امکان دارد که یک اصطلاح بیشتر از یک مفهوم داشته باشد که به طور کامل در این کتاب درج شده است و با تطبیق جمله با مفهوم درست آن را درک کنید.

شما باید برای استفاده از اصطلاحات خاص در موقعیت و شرایط بیشتر توجه کنید بدین صورت که در جلوی اصطلاحات واژه‌های slang (عامیانه)، informal (خودمانی)، formal (رسمی) و Literary (ادبی) که هر کدام در جایگاه خاص خود چون صحبت کردن دوستانه، رسمی، اداری، به صورت انشاء، نامه نگاری، روزنامه نگاری و غیره می‌باشند. به طور کلی افراد تحصیل کرده با دستور زبان درست و جملات ترکیبی صحیح صحبت می‌کنند و اصطلاحات عامیانه و خودمانی را در برخورد با

دوستان و بین خود به کار می‌برند و گرنه برای کارهای رسمی و نگارش گزارش کار یا نوشتن مقاله، پروژه‌های تحصیلی و کاری و گزارش اخبار از انگلیسی رسمی و ادبی استفاده می‌کنند.

دکتر آدم ماکایی

پرفسور زبانشناسی دانشگاه ایلینوی شیکاگو